

روایهائی که می آیند

ساسان گلفر

از فریاد تاجبغ

■ درام پر رمز و راز «ردپا»، کمدی «اولین چیز زیبا»، مشکل‌های مادری با فرزند مبتلا به اوتیسم در «پرواز»، اعتراض به قوانین ضد ترور یستی پس از یازده سپتامبر در «مپریالیست‌ها هنوز زنده‌اند!» «و قاجاقچیان میامی در مستند «پدر خوانده‌های گنج!» از جمعه گذشته بی‌سروصدا اکران شدند و نتوانستیم همه را در این ستون معرفی کنیم، اما در آثاری که معرفی شده‌اند از صدای فریاد تاجبغ رami توانید، بشنوید.

■ ■ ■

مردی که فریادی می زند
A Screaming Man



جنگ داخلی پایان ناپذیر در کشور چاد، بستری برای کشمکش‌های چاره‌ناپذیر این درام به کارگردانی محمد صالح هارون فراهم آورده است. یک کارمند دون پایه هتل، به علت بروز جنگ، شغلش را از دست می‌دهد و این موجب بالاگرفتن تنش میان او و پسرش می‌شود که دنیای شکننده هر دو را فرو می‌ریزد. هارون که بسیار از یاسوجیرو ازو، کارگردان فقید ژاپنی، تاثیر پذیرفته باین درام هوشمندانه و عمیق توانست جایزه هیات داوران جشنواره کن سال گذشته را به دست آورد. یوسف جانورو، دیوکندا کما و امیل ابوسولو مبو بازیگران این فیلم ۹۲ دقیقه‌ای محصول مشترک چاد و فرانسه هستند.

اطلس شانه بالا انداخته: قسمت اول
Atlas Shrugged Part I

«اطلس شانه بالا انداخته» یکی از قدیمی‌ترین پروژه‌های ناتمام سینمایی است که بعد از حدود ۴۰ سال به مرحله تولید رسیده است. قسمت اول از سه گانه‌ای بر اساس رمان «اطلس شانه بالا انداخته» که آین رند در سال ۱۹۵۷ نوشته، در آمریکای آینده نزدیک که انگار به دوران غرب وحشی بازگشته است، می‌گذرد. خانم دگنی تاگارت (تیلور شیلینگ) مالک بزرگ‌ترین شرکت راه‌آهن سراسری قاره آمریکا است که بهترین کارکنانش یکی بعد از دیگری نابدید می‌شوند. او و بهترین دوستش، هنری ربرون (گران‌تبولی) با اختراع موتور وی که با استفاده از الکتریسیته ساکن حرکت می‌کند، انقلابی در صنعت به وجود می‌آورند تا راه‌آهن به کارش ادامه دهد، اما دنیایی پیرامون آنها در حال فروپاشی است. پل جانسن این فیلم ۱۰۲ دقیقه‌ای را که دارای درجه بندی پی‌سی ۱۳ بوده کارگردانی کرده‌است.

آرمادیلو
Armadillo

مستند «آرمادیلو» به کارگردانی یانوش منز پدرسن، جوخه‌ای از سربازان دانمارکی را به مدت شش ماه در جنگ افغانستان دنبال می‌کند. «آرمادیلو»، اولین فیلم مستندی است که در بخش مسابقه هفته منتقدان بین المللی کن پذیرفته شد و جایزه بزرگ این بخش را هم از آن خود کرده. گزارشی صادقانه و بسیار دیدنی از هراس‌های جنگ مدرن که توانست صدرنشین گیشه سینماهای دانمارک شود و بحث و جدل‌های بسیار در مورد سیاست‌های دولت آن کشور و درگیری آن کشور در جنگ به وجود آورد. زمان نمایش فیلم ۱۰۲ دقیقه‌است.

جیغ ۴
Scream ۴

در چهارمین قسمت مجموعه «جیغ» «لایب همان چیزهایی اتفاق می‌افتد که در اولین، دومین و سومین قسمت اتفاق افتاد. سیدنی پرسکات (نیو کمپبل) که کتابی درباره تجربیاتش با قاقچ‌کش‌های نقابدار نوشته است، از آخرین سفری که برای معرفی کتابش انجام داد، بازمی‌گردد. سیدنی در زادگاهش بار دیگر با کالتر دوی (دیوید آرکت) و گِیبل (کورتنی کاکس) که باهم از دوایج کرده‌اند و عمه کیت (مِری مک‌دونالد) و دختر عمه جیل (اما رابرتز) ملاقات می‌کند. بدبختانه با بازگشت اوسرو کله آدمکشکی که با نقابی بر چهره جان مردم را می‌گیرد، پیدا می‌شود و جان همه دوست و آشنا به خطر می‌افتد. این فیلم ترسناک دارای درجه «R» را وس کریون، کارگردانی کرده‌است.

گفتوگو با محمد صالح هارون، کارگردان «مردی که فریاد می‌زند»

زندگی، جنگ و دیگر هیچ

کارین بات/ترجمه: پریا لطیفی‌خواه



عکس: آنتوانو

«مردی که فریاد می‌زند» تنها فیلمی است که امسال از بخش جنوبی و پایین‌تر از صحرای بزرگ آفریقا به جشنواره کن رسیده. فیلمی عمیقاً غم‌انگیز از محمد صالح هارون، درباره پدری که از شغل نگهداری استخر اخراج می‌شود و در حرکتی از سر استیصال به پسر خودش که جانشین او شده است خیانت می‌کند و او را به سر بازی می‌فرستد تا با شور ششیان بجنگد؛ کاری که یقیناً به مرگ پسر منجر خواهد شد. تماشاگر در جریان این فیلم که بیشتر رویدادهای آن در کنار استخری اتفاق می‌افتد، صدای هراس‌آور غرش تنفگ‌ها را می‌شنود و این تصویری است از کشور چاد در جریان سی سال جنگ داخلی. استخر که زمانی سرپناهی برای حفظ شأن و شخصیت پدر بوده، در ذهن تماشاگر به عنوان منطقه‌ای که در آن صلحی مصنوعی برقرار است، جامی‌افتد. آب، یک نماد ظاهری خطر، ظرفیت دوگانه‌ای دارد. در ابتدای فیلم، پدر را می‌بینیم که مهربانانه پسرش را در آب رودخانه غوطه‌ور می‌کند و در پایان نیز این دو، بار دیگر در آب هستند، اما این دیگر یک تشبیه جنازه است. می‌خواهیم بدانیم این فیلم تا چه اندازه بازتاب داستانی است که خود کارگردان از سر گذرانده است.

آب در فیلم شمانماد چیست؟ آب مایه پاک شدن است، زندگی است. در یک کشور بسیار خشک آب برای مردم اهمیت بسیار دارد. استخر شما مثل یک سالن سینماست. آدم‌ها مثل یک کارگردان است و مثل کارگردان روی صندلی می‌نشینند و مهم است که همه چیز را تحت کنترل داشته باشد.

می‌دانید که در هر کجای دنیا که باشید، اگر کار نداشته باشید، هیچ چیز نیستید. بنابراین وقتی آدم شغلش را از دست می‌دهد، احساس می‌کند که همه دنیا روی سرش خراب شده است.

چرا مالک هتل چینی است؟
من از زنی چینی که می‌شناختم و هتل داشت، الهام گرفتم. چینی‌ها در آفریقا خیلی حضور دارند. اروپایی‌ها در رسانه‌هایشان از تهاجم چینی‌ها صحبت می‌کنند، اما چینی‌ها به صحبت کردن اکتفا نمی‌کنند. آنها در آفریقا فعال هستند. حالا دیگر عصر جهانی شدن است. آدم فقط ناظر بر جهانی شدن است و اخراج می‌شود.

چرا مضمون پدر در مقابل پسر را انتخاب کردید؟
به این علت به سراغ ایده پدر و پسر رفتم که اگر در

دیوید می‌پرسد: «تو به خدا اعتقاد داری؟» و امیدوار است پاسخ مثبت بشود، همه ما مشکل‌هایی را تجربه کرده‌ایم و گاهی اوقات راه‌حلی برای آنها پیدا نمی‌شود. در فیلم من ماجرای اشتغال راه‌حلی دارد اما رستگاری وجود ندارد.

نقطه امید در خارج از تصویر است. آن زن باردار فیلم را به ساد بیاورید. در پایان فیلم، پدر و پسر مرده‌اش را در رودخانه می‌بینیم. اما در خارج از تصویر، یک زن و کودکش را داریم، که زندگی را منتقل می‌کنند و عشق را با خود می‌آورند. این به امید تبدیل می‌شود.

آخرین جمله‌ای که در فیلم تان گفته می‌شود، نقل قولی از امه سزر است که می‌گوید: «باید آگاه باشیم که آنچه اتفاق می‌افتد، واقعی است، بنابراین نباید تماشاگران منفعل باشیم.» آیا این انتقادی از ما تماشاگران است؟

جمله آخر تماشاگران را هدف نگرفته، بلکه یک پرسش عمومی است که چگونه می‌توانید هم مراقب همسایه‌تان باشید و هم به رنج سایر آدم‌ها توجه نشان بدهید؟ هیچکس به فکر پدر نیست. او از اینکه کارش را از دست داده است، رنج می‌برد. در این زندگی، هر چقدر هم مشکل‌های بزرگی داشته باشیم، باید به حرکت ادامه بدهیم. اگر این کار را نکنیم، خودکشی کرده‌ایم. وقتی مادر کسی می‌میرد، باید به زندگیش ادامه بدهد. وقتی کسی همسرش را از دست می‌دهد، باید به زندگیش ادامه دهد. با این احوال، چطور یک پدر می‌تواند با پسرش چنین کاری بکند؟ مردم چطور می‌توانند برای بچه‌هایشان جنگ را تدارک ببینند؟ آدم، نماد پدران آفریقا است که فرزندان جوان خود را به خارج می‌فرستند. خیلی از بچه‌ها مجبور می‌شوند از کشورشان فرار کنند. معنی‌اش این است که بزرگ‌ترها نتوانسته‌اند کاری بکنند که مرز میان امن برای بچه‌هایشان فراهم کنند. این استعاره‌ای برای همه پدران آفریقاست.

منبع: هافینگتن پست



آقای هارون که از جمله اشارش می‌توان به «دارات» (فصل خشک) اشاره کرد، با نشان دادن جزئیات و تغییر دادن حال و هوا به تنش دامن می‌زند. این فیلم‌ساز بخش از ناآرامی، در مهربانی این دومرد نشانه‌هایی از پرخاشگری، رقابت و احساس فقدانی دیده می‌شود که بسیار بزرگ‌تر از آنی است که در ابتدا به چشم می‌خورد.

آدم مسابقه را می‌بازد و شکست او بر بیشتر آنچه بعدا اتفاق می‌افتد، سایه می‌افکند. او در بازگشت به رختکن جلوی آینه می‌ایستد و به شکم برآمده‌اش نگاه می‌کند. صحنه‌ای خنده‌دار است که غرور پیرمرد را نشان می‌دهد اما صحنه مهمی است چون احساس خودشیفتگی را نشان می‌دهد که پیامدهایی دارد. آدم اخم می‌کند و به پسر خوش قیافه‌اش نگاه می‌اندازد که لبخند بر لب دارد

او نیز در استخر زیر نظر پدرش کار می‌کند. اما زمانی که هتل کارکنانش را تعدیل می‌کند و شغل آدم تغییر می‌کند و دربان می‌شود، او نشان می‌دهد که فقط یک بازنده بد نیست بلکه فاجعه است.

تازه چه خبرد کتر جون؟

وسترن تارانتینویی



■ این خبر را باید جدی گرفت. کونتین تارانتینو عزمش را جزم کرده تا فیلمی وسترن بسازد. در این روزها که تب وسترن ساختن به‌جان همه هالیوودی‌ها و مستقل‌ها –از برادران کونن گرفته تا سازندگان آثار علمی تخیلی- افتاده، تارانتینو هم بی‌نصب نمانده و ایده‌ای نوغ‌آمیز به سرش زده است تا وسترنی رده «ب» اما درجه یک درست کند که در آن کشتار خونینی میان کابویی‌ها به راه بیفتد و از کشته، پشته ساخته شود. به گزارش کریو آنالین، تارانتینو مشغول نگارش یک فیلمنامه وسترن است که تا دو ماه دیگر تکمیل می‌شود و شرکت واینشتاین هم قصد دارد آن را به سرعت به چرخه تولید بیندازد. عناصری از ژانر وسترن البته در تمام آثار تارانتینو دیده می‌شود اما او تاکنون فیلمی که کاملاً در این ژانر قرار بگیرد، نداشته و فقط بارها قول ساختن آن را داده است. تارانتینو در سال ۲۰۰۷ ضمن مصاحبه‌ای با دلی تلگراف گفته است که بیشتر قصد دارد ژانر تازه‌ای به نام «سوترن»، واژه‌ای جنوبی به‌راه بیندازد تا «وسترن»، یعنی غربی. این ژانر تازه یک نوع وسترن اسپاگتی است که وقایع آن در جنوبی‌ترین نقاط ایالات متحده، در مرز مکزیک اتفاق می‌افتد. «می‌خواهم این فیلم‌ها را طوری بسازم که شبیه به فیلم‌های ژانر باشد اما با مسائلی سر و کله‌برند که آمریکا تاکنون به سراغ آنها نرفته است، چون از این کار خجالت می‌کشد و کشورهای دیگر هم به سراغش نرفته‌اند، چون حق ندارند این کار را بکنند.

جاش برولین سیاه می‌بوشد



■ نقش شخصیت تامی لی جونز در ایام جوانی در سومین قسمت کمدی علمی تخیلی «مردان سیاهپوش» را جاش برولین بازی می‌کند که قبلاً هم در فیلم «دبلیو» الیور استون نقش جوانی جاهلی‌های جورج دبلیو بوش را بازی کرده و پیش از آن هم ثابت کرده است که «جایی برای پیرومردها نیست». حدود یک دهه از ساخته شدن دومین فیلم پرفروش «مردان سیاهپوش» می‌گذرد و واقعاً عجیب است که تهیه‌کنندگان در این مدت یک بار دیگر ویل اسمیت و تامی لی جونز را به جنگ بیگانه‌های فضایی عجیب و غریب آمیخته با انسان‌ها و حیوانات نفرستاده‌اند. به گزارش هالیوود ریپورتر، در «مردان سیاهپوش ۳» قرار است ویل اسمیت در نقش مامور جی به سال ۱۹۶۹ بازگردد و با مامور کی در ایام جوانی ملاقات کند که حالا جاش برولین است. تامی لی جونز و جاش برولین که هر دو متولد نگراس هستند، مادر هر دو آنها بومی سرخپوست بوده است، و شباهت‌هایی هم در ظاهر و نحوه لباس پوشیدن و مدل مویشان وجود دارد، پیش از این در فیلم‌های «در دره الا» و «جایی برای پیرومردها نیست» نیز باهم بازی داشته‌اند. «مردان سیاهپوش ۳» در تابستان ۲۰۱۲ اکران می‌شود و اما تا مینس هم در آن حضور دارد.

ویلیم دافو کنار تامس عجیب و غریب



■ یکی از پروژه‌هایی که این روزها در هالیوود نامش زیاد بر سر زبان‌هاست، «تامس عجیب و غریب» است که بر اساس رمان پرفروشی به همین نام ساخته می‌شود. تامس عجیب و غریب، آشپزی است در شهری بیابانی در کالیفرنیا که با توانایی‌های خارق‌العاده روانی‌اش وارد پرونده‌های دشوار و لاینحل جنایی می‌شود و نقش او را در فیلمی که استیون سامرز، کارگردان «هومیلی» خواهد ساخت، آنتون بلخین، بازیگر «رستگاری ترمیناتور» بر عهده خواهد داشت. تازه‌ترین خبر در مورد این فیلم، پیوستن ویلم دافو، بازیگر نقش منفی مجموعه فیلم‌های «هر دنگبوتی» به پروژه است که احتمالاً نقش رئیس پلیس را بازی می‌کند. پیش از این خبر داده شده بود که ادسن تیملین و تیم رابینز هم در فیلم نقش خواهند داشت.

پایان کشتار، آغاز جنایت واقعی



■ فیلمبرداری «کشتار» رومن پولانسکی اخیراً به پایان رسیده است و او سیرای پروژه تازه‌ای به نام «جنایت واقعی» برنامهریزی می‌کند. «کشتار» که فیلمنامه‌اش را پولانسکی از نمایشنامه «رب‌النوع کشتار» یاسمینا رضا، نمایشنامه‌نویس ایرانی تبار مقیم فرانسه، اقتباس کرده، داستان دو خانواده است که پس از درگیری پسرهایشان در مدرسه با یکدیگر ملاقات می‌کنند و در جریان این ملاقات، پرده از مشکل‌های روانی و اجتماعی، نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی خود بر می‌دارند. در این محصول مشترک آلمان، فرانسه و لهستان که در پاریس فیلمبرداری شده است، کریستف والتز، کیت وینسلت، جودی فاستر و جان سی رالی بازی می‌کنند. اما هفته گذشته اعلام شد که رومن پولانسکی بر اساس مقاله‌ای از دیوید گرین در نیویورک درباره پرونده قتلی در لهستان که سال‌هاست به یک معما تبدیل شده است، فیلم «جنایت واقعی» را بسازد. این فیلم احتمالاً در لهستان فیلمبرداری خواهد شد.

منبع: نیویورک تایمز